

پروژه مجتمع مسکونی اکباتان، یکی از ارزشمندترین پروژه های مسکونی در زمان خود به حساب می آید چرا که از نظر برنامه ریزی های کلان شهری و امکانات زیربنایی آن، به گونه ای ست که کماکان به عنوان یک مجتمع مسکونی امروزی، قابل استفاده و بهره برداری است، اما با قدم زدن در خیابانها و بین بلوک های آن، معضلاتی به چشم می خورد که آن ها را ” مسائل اصلی طرح“ می نامیم و در پی ارتقا سطح کیفی آن، راه حل و راهکارهایی ارائه می گردد.

طرح مسئله

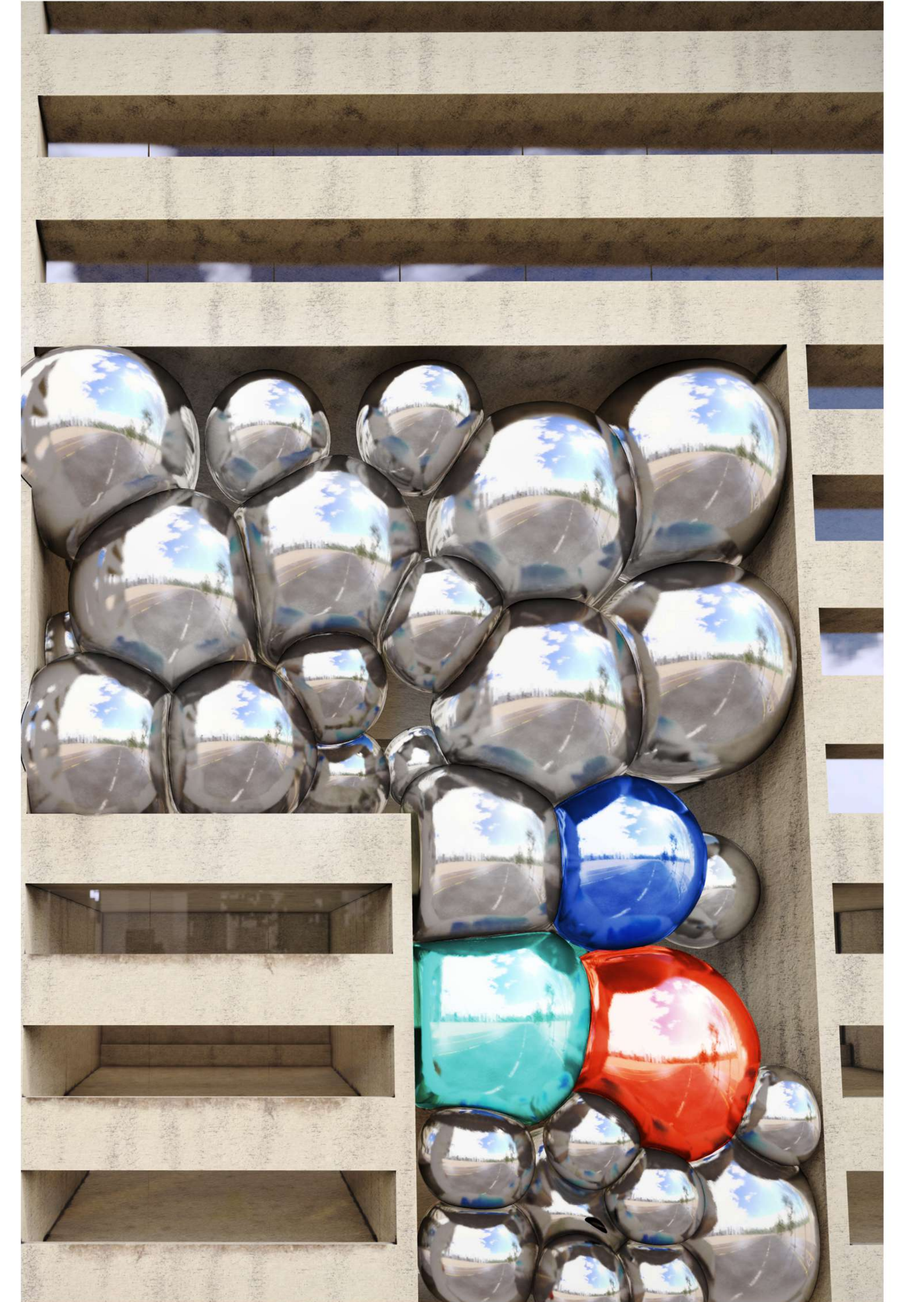
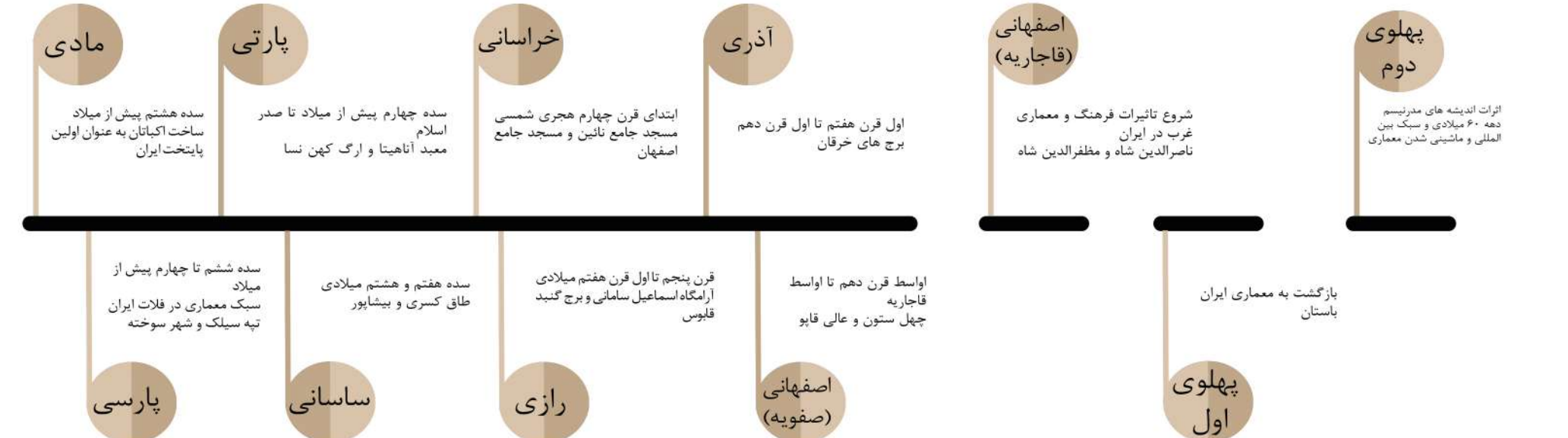
اکباتان رنگ ندارد؛ ایرادی از همان روزهای ابتدایی شروع پروژه به ساخته آقای رحمان گلزار شبستری وارد بود، بی روح و سرد بودن معماری شهرک است که با توجه به سطوح وسیع خاکستری و ارتفاع بلند آن ها نسبت به درختان و پوشش گیاهی، می توان دلیل اینکه چرا اکباتان خواستگاه هنر گرافیتی رنگی در ایران است را متوجه شد.

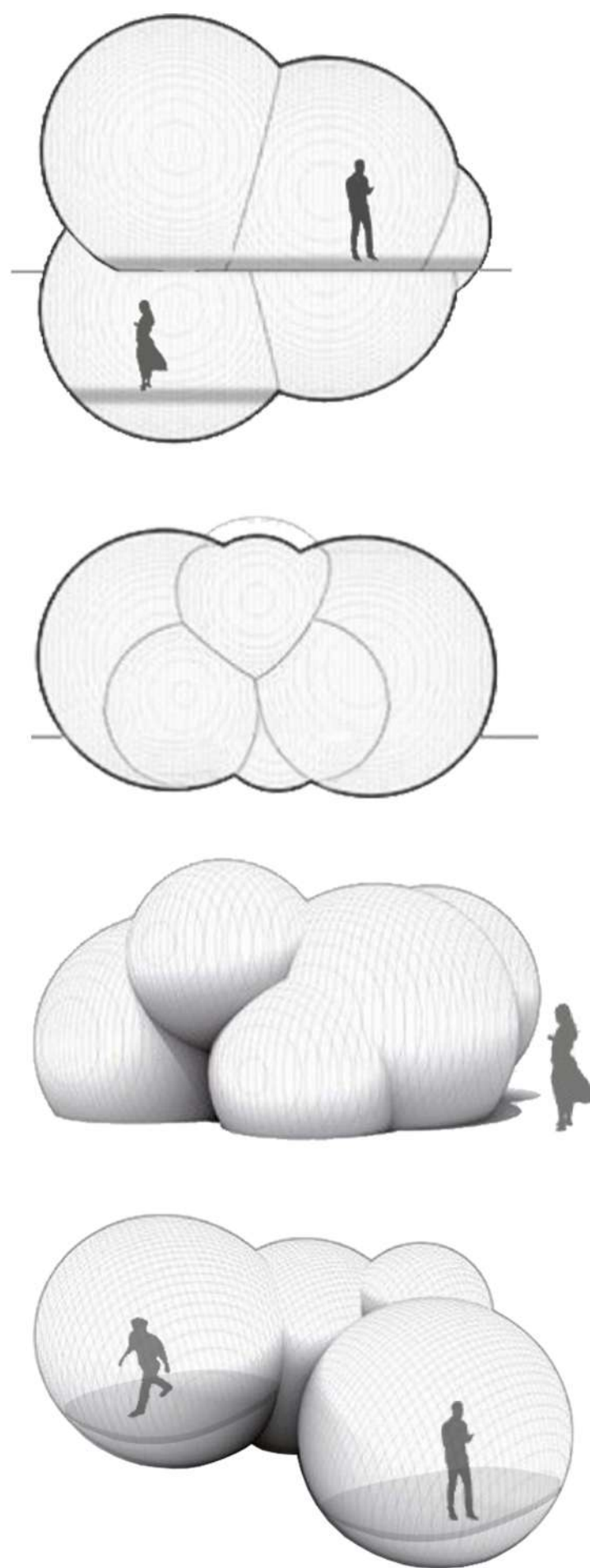


اکباتان تنوع بصری و نقطه تمرکز ندارد؛ بلوک های اکباتان پر از تکرار بدون ریتم هستند، شاید بلوک ها به تنهایی، دارای تنوع و خط آسمان شاخص باشند ولی به قول ”دی کی چینگ“ وقتی تعداد نقطه های شاخص یک فضا، زیاد شود، ارزش نقطه ها کم شده و بجای ابژه بودن، تبدیل به پس زمینه می شوند که حال همین بگراوند مجددا نیاز به یک یا چند آبجکت دارد(شهرکی را فرض کنید مملو از برج های ایفل یا پر از بلوک Aپروژه پارک پرنس تهران).



اکباتان در تهران و ایران غریب است؛ این پروژه در دوره ای از معماری ایران طراحی و ساخته شد که سبک های غربی مثل ” سبک بین الملل“ در لای شکاف های ایجاد شده در توالی معماری غنی گذشته، جای خود را باز کردند و ذائقه دو ملت با دو فرهنگ متفاوت را به هم نزدیک کرد و معماری فاخر ایران را در محاق و اسارت قرار داد که در نتیجه آن می توان گفت که معماری شهرک اکباتان،علی رغم اسمش، ایرانی نیست.





در پاسخ به طرح مسئله اکباتان و بالکن هایش تصمیم براین شد که حجم بالکن ها به نمایندگی از معماری پویا و غنی و رنگ گذشته ایران زمین، از دل حصار ها و سطوح وسیع و خاکستری معماری مدرن، خارج شود و بر خلاف معمول پروژه های اینستالیشن که حجم جدید به حجم قدیم الحاق و الصاق می شود، پروژه را چنان تعریف کنیم که **زمان بصورت معکوس** تجربه شود. به گونه ای که با نگاه به نمای ساختمان مشخص نشود که ابتدا احجام فرم رنگی ساخته شده اند و سپس خطوط نوک تیز به عنوان حصار آن را احاطه کردند یا بالعکس و به این طریق پیوندی بین زمان و معماری حال و گذشته ایجاد کنیم و رد زمان را بر معماری با الگویی جدید تجربه کنیم.

برهم زدن سیر خطی کلاسیک زمان؛ به گونه ای که مرز بین آبجکت و بکگراند از میان رفته و این دو در هر لحظه به یکدیگر تبدیل می شوند.



برخی از بالکن ها بیرون زده و مسئله رنگ و کنتراست را در مقیاس شهری پاسخگو خواهند بود و همچنین با انعکاس نور خورشید بر سطح بیرونی آنها با توجه به منحنی بودن سطوح و متریال ETFE شفاف، بازی رنگ را در ساعات مختلف روز بر روی سطوح بتنی پیشین و درون واحد های مسکونی، خواهیم داشت. از آنجا که شکل و فرم این احجام، نرم و قابل انعطاف بر اثر نیروهای اطراف خود هستند، هربار، متفاوت زاییده می شود، **تنوع بصری** را در هر جبهه از نما و هر بلوک، شکل می دهد. به عبارت دیگر، اکباتان پر از تکرار است ولی بالکن های تصادفی جدید، به آن تنوع و شناسنامه و خوانایی تازه ای می دهد.



مسئله رنگ به عنوان یکی از معیار های ابتدایی که حتی قبل از درک فرم در ذهن بیننده شاخص می شود از قدیم ریشه در فرهنگ ایرانی دارد که آثار آن را در تار و پود فرش ها، قالیچه ها، کاشی ها و ارسی ها و صنایع دستی و **لباس محلی** اقوام مختلف می توان به گونه ای که در جهان ۹ رنگ را به اسم ایران و پرشیا می شناسند که پروژه بالکن های اکباتان از این ۹ رنگ با ترکیب های متفاوت استفاده شد

